AP

مظلومان غزه قربانی اهداف انتخاباتی بایدن شده‌اند

حمایت از نسل کشی با اهداف انتخاباتی

تحلیل

زهره صفاری
خبرنگار

دست‌های گشاده امریکا و کمک‌های بی‌وقفه و میلیارد دلاری کاخ سفید برای حمایت از جنایات رژیم صهیونیستی علیه فلسطینی‌ها آن هم در حالی که واشنگتن برای تصویب بودجه سالیانه با کنگره هنوز به توافق نرسیده و حتی تهدید تعطیلی دولت نیز بیخ گوش کابینه زنگ می‌زند، یک واقعیت را بیش از همیشه روشن کرده است؛ نفوذ لابی صهیونیستی در بالاترین سطوح سیاسی امریکا و انتخابات آن فراتر از تصور است و به قول چامسکی هر گونه دخالت سیاست خارجی دیگر همچون روس گیت و امثال آن را بی‌رنگ خواهد کرد. این مداخله و نفوذ لابی صهیونیستی در تعیین نتایج بزنگاه‌های سیاسی امریکا، مسأله دیروز و امروز نیست اما شاید آنچه که این واقعیت آشکار سیاسی واشنگتن را فاحش‌تر کرده: اول؛ نقش‌آفرینی فعال لابی صهیونیستی برای جذب کرسی‌های بیشتر برای دموکرات‌ها در انتخابات اخیر کنگره و دوم؛ حمایت قوی‌تر جو بایدن و دولت دموکراتش از رژیم صهیونیستی به رغم جنایت‌های بی‌وقفه آن علیه غیرنظامیان در غزه در سال مهم انتخاباتی‌اش است. گرچه مورد دوم به معنای آن نیست که این لابی با جمهوریخواهان همراه نیست یا قرمزهای امریکایی از این لابی حمایت نمی‌کنند، بلکه برعکس این اقلیت ۳ درصدی یهودی افراطی امریکا که شاکله لابی تندرو و طرفدار صهیونیست‌ها (AIPAC) و اکثریت دموکرات برای اسرائیل، جی استریت و... هستند برای خلاصی از نمایندگان مخالف این رژیم به طور قطع بر مقامات کنگره در هر دو حزب اصلی نظارت، نفوذ و در جای لازم از آنها حمایت خواهند کرد. به همین دلیل نیز در هیچ مناظره انتخاباتی دو حزب چه در سطح انتخابات کنگره یا ریاست جمهوری هیچ جمله‌ای علیه صهیونیست‌ها یا محکومیت این رژیم در قتل‌عام مردم فلسطین به زبان نمی‌آید.

در این شرایط این ابهام وجود دارد، در برهه‌ای که قتل‌عام زنان، مردان و کودکان بی‌گناه فلسطینی، فریاد اعتراض جهانیان را بلند کرده و حتی در داخل امریکا نیز عامه مردم -یا همان رأی‌دهندگانی که باید برای تعیین نمایندگان یا رئیس جمهور آتی این کشور پای صندوق‌های رأی بروند- دیگر مانند سابق حامی صهیونیست نبوده و حتی با اعتراضات گسترده در حمایت از فلسطین علیه این رژیم و کاخ‌سفید برخاسته‌اند، این حمایت‌ها چه سرنوشتی برای نامزدهای انتخاباتی رقم خواهد زد. گرچه آنچه مسلم است نفوذ امریکایی‌های صهیونیست و لابی‌های رژیم صهیونیستی تا حدی بر لایه‌های بالای سیاسی امریکا مؤثر است که همچنان مقامات واشنگتن، ریسک از دست دادن حامیانشان در داخل را به جان خریده و حتی یک قدم نیز از حمایت صهیونیست‌ها کنار نمی‌کشند.

۲۰۲۳
مارس

افزایش انتقادها به حمایت‌های بی‌حد امریکا از خشونت‌طلبی‌ها و زیاده‌خواهی‌های رژیم صهیونیستی در برهه فعلی از سوی جامعه امریکا نیز قابل پذیرش به نظر نمی‌رسد. در نظرسنجی‌های مارس ۲۰۲۳ این نارضایتی بویژه در میان حامیان دموکرات، بیشتر خودش را نشان داد

هرم وارونه قدرت

با وجود اختلافات سیاسی میان واشنگتن و تل‌آویو در سال‌های اخیر و رابطه نه چندان بسامان میان بنیامین نتانیاهو و جو بایدن؛ جنگ غزه بار دیگر ثابت کرد که این پیوند هرگز از هم گسسته نمی‌شود. در این شرایط است که نقش کمیته روابط عمومی امریکا- اسرائیل (آیپک) و دیگر لابی‌های این رژیم در امریکا برجسته‌تر نشان داده می‌شود.

لابی بانفوذ صهیونیست‌ها در امریکا این ظرفیت را دارد که به طور استراتژیک شبه اندیشکده‌هایی همسو با دیدگاه‌هایشان را برقرار کرده تا از این طریق بتواند با سلطه بر جامعه دانشگاهی، اتهامات علیه صهیونیست و به طور مؤثر انتقادات مشروع از سیاست‌های اشغالگران را خنثی کند. ناظران ای نیوز، سایت خبری مستقل و انگلیسی زبان ترکیه اذعان دارند در واقع در مواقعی که رفتار امریکا براساس دلایل استراتژیک یا اخلاقی قابل توجیه نباشد، نفوذ سنگین لابی صهیونیست را می‌توان به عنوان عامل اصلی اقدامات واشنگتن قلمداد کرد و کلید آن در قدرت غیرقابل انکار این لابی در سطوح سیاسی ایالات متحده نهفته است. به عبارت دیگر در نبود این نفوذ، نزدیکی ایالات متحده به رژیم صهیونیستی ممکن است به سطح فعلی خود نرسد.

آن‌طور که کارشناسان سایت تحلیلی ریسپانسیبل استیت کرافت وابسته به اندیشکده امریکایی کوینسی تأکید داشته‌اند اما نفوذ این لابی در اکثر مواقع معادلات قدرت میان امریکا و صهیونیست‌ها را تغییر داده و سران کاخ سفید در اوقاتی از جایگاه ابرقدرتی پایین آمده و در برابر خواسته‌های هر چند غیراخلاقی یا غیراستراتژیک تل‌آویو سر تسلیم فرود آورده‌اند. نمونه بارز این اتفاق در دیدار نخست بنیامین نتانیاهو و بیل کلینتون، رئیس جمهور وقت امریکا در سال ۱۹۹۶ ثبت شده است. آن‌طور که شاهدان گفته‌اند پس از این دیدار، کلینتون به قدری از روند مذاکرات و گستاخی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در برهم زدن موازنه قدرت در روابط با واشنگتن خشمگین بود که در جمع همراهانش آشکارا به این وارونگی قدرت میان امریکا و این رژیم اعتراف کرد و با ادبیاتی توهین‌آمیز گفت: «او با خود فکر می‌کند چه کسی است؟ ابرقدرت لعنتی اینجا چه کسی است؟» اما این نارضایتی به همین چند ساعت یا شاید چند روز خشم محدود و در تاریخ امریکا محو شد. این واقعیت خاک گرفته حالا بعد از ۲۷ سال این بار در تقابل نتانیاهو با جو بایدن ۸۱ ساله با ظاهری عریان‌تر رخ نشان داده است. اکنون سؤال این است؛ آیا وقایعی که پیش آمده این سؤال را به ذهن جو بایدن نیز می‌رساند که کرنش‌هایش در برابر خواسته‌های نخست‌وزیر افراطی صهیونیست در جنگ اخیر غزه، معادلات قدرت را میان واشنگتن و تل‌آویو بر هم زده است.

عذرخواهی بایدن در جلسه خصوصی با رهبران مسلمانان امریکا در پاسخ به سؤالاتی درباره قتل‌عام غیرنظامیان در غزه با عبارات «متأسفم من از خودم ناامید هستم. باید بهتر عمل کنیم» که در واقع به نوعی اعتراف او به ضعف سیاست‌هایش برای ممانعت از کشتارهای صهیونیست‌ها در غزه بود، به تنهایی گویای این حقیقت است که امریکا و به طور ویژه رئیس جمهور آن به قدرتی تضعیف شده بدل شده که برای حفاظت از جان و مال غیرنظامیان غزه جز خواهش آن هم از نخست‌وزیر رژیمی که امریکا به آن هویت داده، کاری از دستش برنمی‌آید. این در حالی است که بایدن رئیس جمهور امریکایی است که همچنان به عنوان یکی از ابرقدرت‌های جهان در هر سطحی شناخته می‌شود و رژیمی مانند تل‌آویو بدون حمایت آن هیچ است...

هیچ توجیهی برای این همه تسلیم وجود ندارد جز آنکه نفوذ لابی صهیونیست در لایه‌های قدرت امریکا و تعیین سرنوشت انتخابات آن، دست‌های کاخ سفید را با زنجیرهایی قطور بسته است و نه فقط رئیس جمهور که اعضای کنگره و مقامات بانفوذ ایالات متحده نیز یارای مقابله با آن را ندارند و با حمایت تمام قد از صهیونیست‌ها، اندک مخالفان در حلقه خود را نیز سرکوب می‌کنند.

تسلیم نابخشودنی

سال ۲۰۱۸ و زمانی که شائبه دخالت روسیه در انتخابات امریکا و برگزیده شدن دونالد ترامپ داغ بود، نوام چامسکی، نظریه‌پرداز مشهور سیاسی در مصاحبه‌ای نقش لابی صهیونیستی و مداخلات آن در روند انتخابات امریکا را آنقدر بالا عنوان کرد که طرح آن هر گونه گمانه‌ای درباره تأثیر دخالت دولت‌های خارجی را از بین می‌برد.

چامسکی که منتقد این مداخله گستاخانه در مهم‌ترین چهارچوب‌های سیاسی امریکا بود، گفت: «مداخله اسرائیل در انتخابات امریکا به مراتب فراتر از هر اقدامی است که روسیه انجام می‌دهد. نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل می‌تواند حتی بدون مجوز رئیس جمهور امریکا، مستقیم به کنگره برود و به رغم زیر سؤال بردن سیاست‌های کاخ سفید مورد تشویق حاضران نیز قرار بگیرد. اتفاقی که در سال ۲۰۱۵ با حمله نتانیاهو به اوباما درباره توافق هسته‌ای با ایران رخ داد.»

اما افزایش انتقادها به حمایت‌های بی‌حد امریکا از خشونت‌طلبی‌ها و زیاده‌خواهی‌های رژیم صهیونیستی در برهه فعلی از سوی جامعه امریکا نیز قابل پذیرش به نظر نمی‌رسد. در نظرسنجی‌های مارس ۲۰۲۳ این نارضایتی بویژه در میان حامیان دموکرات، بیشتر خودش را نشان داد و زمزمه‌های مخالفت با سیاست‌های یکسویه واشنگتن نسبت به این رژیم را افزایش داد. این در حالی است که آن‌طور که سایت «ووکس» نوشته است، حمایت از تل‌آویو در طول تاریخ ایالات متحده همواره با هزینه‌هایی که لابی صهیونیست در واشنگتن کرده، مورد تأیید عامه مردم بوده است.

با این حال به نظر می‌رسد سیاستگذاران امریکایی این مسأله را پذیرفته‌اند و بهای سنگین این روابط خاص ولو یکسویه را نه به خاطر بحث نظامی یا سیاسی بلکه برای حفظ موقعیت خودشان و به عبارت بهتر به دلایل شخصی قابل قبول می‌دانند. انتخابات اخیر میاندوره‌ای امریکا نمونه‌ای ملموس است که از تاریخ آن نیز چندان نمی‌گذرد. تحلیلگران گاردین معتقدند در این انتخابات لابی‌های صهیونیست مانند آیپک، اکثریت دموکرات برای اسرائیل (DMFI) و جی استریت بیش از ۵۸ میلیون دلار به اعضای کنگره پرداخت کرده‌اند. این اعانه صهیونیستی تنها ۳۳ تن از نمایندگان را بی‌نصیب گذاشت اما دیگر نمایندگان و سناتورهای نهادهای سیاستگذاری امریکا را زیر چتر این لابی برد. نکته جالب‌تر آنکه ۲۵ میلیون دلار یا ۴۲ درصد از این ریخت و پاش حامیان صهیونیست تنها برای ۶ نماینده دموکراتی صرف شد که رقبایشان منافع رژیم صهیونیستی و لابی این رژیم در امریکا را تأمین نکرده یا به خطر می‌انداختند. همین نمونه کوچک کافی است تا حمایت ۸۰ درصدی کنگره امریکا از رژیم صهیونیستی در ۶ هفته نخست جنگ با غزه را توجیه کنیم.

> **جان مرشایمر، نظریه‌پرداز علوم سیاسی و استاد دانشگاه شیکاگو که کتابی نیز درباره لابی صهیونیست دارد، به گاردین گفت: «اگر هیچ لابی نبود که با اعمال واقعی زور، کنگره را به جهتی خاص هدایت کند، بدون شک موضع نمایندگان و سناتورهای امریکایی درباره جنگ در غزه کاملاً متفاوت بود.»**

جان مرشایمر، نظریه‌پرداز علوم سیاسی و استاد دانشگاه شیکاگو که کتابی نیز درباره لابی صهیونیست دارد، به گاردین گفت: «اگر هیچ لابی نبود که با اعمال واقعی زور، کنگره را به جهتی خاص هدایت کند، بدون شک موضع نمایندگان و سناتورهای امریکایی درباره جنگ در غزه کاملاً متفاوت بود.»

حتی برخی ناظران معتقدند به نظر می‌رسد، بایدن نیز هنوز درنیافته که حمایت‌هایش از صهیونیسم، منافع سیاسی نتانیاهو و نه اهداف بلندمدت این رژیم را تأمین می‌کند چراکه بی‌بی در این مدت ثابت کرده مادامی که این جنایات، او را از زندان و محکومیت دور نگه دارد با هر بهایی آن را ادامه می‌دهد و همه چیز را فدای منافع شخصی خود خواهد کرد. برخلاف بایدن رأی‌دهندگان امریکایی بویژه قشر جوان به این مسأله باور دارند و همین امر نیز آنها را از هواخواهی بایدن دور کرده و در آخرین نظرسنجی اعلام کرده‌اند که در انتخابات ۲۰۲۴ بایدن انتخاب آنها نیست. موضوعی که برای رقبای او بویژه دونالد ترامپ بسیار خرسندکننده است و او با آتش بیاری در این معرکه و انتقاد از رئیس جمهور ۸۱ ساله در عین حالی که فضا را علیه او متشنج می‌کند، با اشتباه خواندن حمایت از این جنگ، از این آب گل‌آلود ماهی نیز برای خودش می‌گیرد.

بی‌تردید تصمیم‌های بایدن مانند تحریم شهرک‌نشینان خشونت‌طلب و افراطی صهیونیست در کرانه باختری برای تغییر این فضا است. در واقع او در حرکتی نمادین علیه نتانیاهو و کابینه‌اش اقدامی را انجام داده اما همچنان منافع رژیم صهیونیستی و لابی آن را یکی از اولویت‌های مهم کاخ سفید و منافع انتخاباتی خود می‌داند.

بایدن و دولت دموکرات فعلی‌اش چشم‌بسته الگویی را دنبال می‌کنند که جان اف کندی، رئیس جمهور سابق امریکا پیش گرفت. اما آن‌طور که تحلیلگران ال پاییس معتقدند دانشگاهیان امریکا، نسل جدید سیاسی این کشور و نخبگان اقتصادی و فرهنگی این خط سیر را نمی‌پسندند. بنابراین دور از ذهن نیست که نسل بعدی سیاسی امریکا، حتی حمایت از فلسطین را در دستور کار بگیرند و بایدن به آخرین رئیس جمهور دموکرات حامی صهیونیست در امریکا بدل شود!

امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل امریکا تحلیل کرد

ترامپ و بایدن وامدار آیپک

گفت و گو

حسین فاطمی
خبرنگار

با وقوع عملیات طوفان‌الاقصی و متعاقبش کشتار و جنایات بی‌سابقه رژیم صهیونیستی در باریکه غزه اکنون بیش از گذشته موضوع تأثیرگذاری کمیته روابط عمومی امریکا-اسرائیل موسوم به لابی آیپک را خواهد گرفت، از آن دست سؤال‌های کلیدی است؛ اینکه در نهایت این لابی جانب کدام نامزد دموکرات یا جمهوری‌خواه را خواهد گرفت، از این رو «ایران» برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها، گفت‌وگویی را با امیرعلی ابوالفتح، تحلیلگر ارشد مسائل امریکا ترتیب داده است که در ادامه می‌خوانید.

برای سؤال نخست جا دارد پیش از هر چیز به میزان تأثیرگذاری لابی کمیته روابط عمومی امریکا-اسرائیل موسوم به آیپک بپردازیم. میزان این تأثیرگذاری را تا چه حد جدی می‌دانید؟ آیا این لابی به واقع آنگونه که برخی از قدرت تعیین کنندگی آن می‌گویند، می‌تواند آینده انتخابات را به دست گیرد؟

موضوع توان لابی آیپک به عقبه فکری، دینی و ایدئولوژیک آن باز می‌گردد. یعنی مهم‌تر از موضوع آیپک، باوری است که در میان مسیحیان اوانجلیست وجود دارد که جمعیت و آمارشان چیزی بین ۷۰ تا ۸۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. مسیحیان اوانجلیس باور دارند که حضرت عیسی(ع) در ارض موعود بنی‌اسرائیل ظهور نخواهد کرد، مگر در یک جنگ خونین که بنا به برخی از روایت‌های مسیحی تا ۴۰۰ میلیون کشته به‌دنبال خواهد داشت، همچنین مسجدالاقصی و قبه‌الصخره از بین برود و معبد سلیمان دوباره ساخته شود. پس قدرت واقعی لابی آیپک ریشه در باورهای مسیحیان اوانجلیست یا همان مسیحیان صهیونیست دارد. لذا اگر روایت‌هایی در خصوص قدرت لابی آیپک مطرح می‌شود که واقعیت هم دارد صرفاً به‌دلیل یک تشکل ۴۰ هزار نفره یهودی با قدرت رسانه‌ای پررنگ، توان بسیار بالای اقتصادی و نفوذ در صنایع کلیدی امریکا نیست؛ عقبه واقعی قدرت آیپک در همان ۷۰ میلیون مسیحی اوانجلیست امریکایی است که باورهای صهیونیستی دارند، اگرچه یهودی نیستند اما به لحاظ ایدئولوژیک، دینی، اعتقادی و مذهبی باور دارند که بدون حمایت از یهودیان در فلسطین، ظهور عیسی مسیح اتفاق نخواهد افتاد.

> **مسأله مهم‌تر عقبه ۷۰ تا ۸۰ میلیون مسیحی صهیونیست یا مسیحی اوانجلیست است که جدی‌ترین عقبه لابی آیپک محسوب می‌شود. من نمی‌گویم لزوماً این ۸۰ میلیون مسیحی اوانجلیست در انتخابات شرکت خواهند کرد و رأی خواهند داد اما حتی اگر نصف این تعداد یعنی نزدیک به ۴۰ میلیون نفر هم در انتخابات شرکت کنند، یقیناً یک پایگاه رأی مهم تلقی می‌شود**

حال با در نظر گرفتن تمام نکاتی که بیان داشتید، آیا باز هم در خصوص قدرت تأثیرگذاری لابی آیپک داستان‌سرایی شده است یا واقعیت دارد؟

ببینید قدرت لابی آیپک را باید در ظرف خود بررسی کنیم. اما در کل به نظر من قدرت تعیین‌کنندگی صددرصدی ندارد. یعنی این گونه نیست که هر آنچه اراده کند، اتفاق بیفتد. برای مثال لابی آیپک نزدیک به سه دهه تلاش کرد که جاناتان پولارد که در شورای امنیت ملی امریکا برای اسرائیل جاسوسی می‌کرد را آزاد کند، اما بعد از ۳۰ سال نتوانست این اتفاق را رقم بزند. در حالی که پرونده دستگیری و محاکمه پولارد مربوط به سال ۱۹۸۰ بود. در آن سه دهه تلاش‌های فراوانی از سوی لابی آیپک شکل گرفت که بتوانند جاناتان پولارد را آزاد کنند، اما بعد از ۳۰ سال این اتفاق در دوره ریاست جمهوری ترامپ روی داد. در مسأله توافق هسته‌ای ایران موسوم به برجام نیز همین اتفاق روی داد. یعنی لابی آیپک تلاش بسیاری را در دستور کار قرار داد که دولت اوباما را از این توافق با تهران منصرف کند، اما در نهایت نتوانست به هدف خود دست پیدا کند. من کاری به روی کار آمدن دونالد ترامپ و خروج او از برجام ندارم، اما در دوره اوباما تلاش بسیاری از طریق لابی آیپک به وجود آمد که دولت اوباما را از این توافق با تهران منع کند یا در موضوع مشخص تشکیل دو دولت اسرائیلی و فلسطینی هم، لابی آیپک همسو با جریان تندرو در اسرائیل، مخالف جدی این موضوع است. اما دولت‌های دموکرات و مشخصاً دولت اوباما و دولت فعلی، یعنی دولت بایدن به شکل شدیدی به‌دنبال طرح ۲ دولتی بودند. یعنی باوجود تمام تلاش‌های لابی آیپک، این لابی نتوانسته است از موضع‌گیری مقامات امریکایی در خصوص تأکید بر طرح دو دولتی جلوگیری کند.

قبل از ورود به موضوع انتخابات ریاست جمهوری امریکا، این را هم بپرسم که قدرت تأثیر آیپک در سیاست خارجی امریکا تا چه حد جدی است؟

در پاسخ به سؤالتان باید به این واقعیت اذعان داشت که بخش اعظم سیاست خارجی امریکا، مشخصاً در قبال خاورمیانه از خود اسرائیل و فلسطین گرفته تا مصر، ایران، ترکیه، عراق، سوریه، لبنان و کشورهای حاشیه خلیج فارس متأثر از نگاه، سیاست و باورهای لابی آیپک است. اما باز هم باید گفت اینگونه نیست که لابی آیپک به‌صورت کامل و صددرصدی تیغ‌اش در سیاست خارجی امریکا ببرد.

در سیستم و ساختار سیاسی امریکا، لابی‌های قدرتمندی مانند لابی ارامنه یا لابی کوبایی‌ها و نظایر آن مطرح است اما لابی آیپک در کجای معادلات انتخابات امریکا قرار می‌گیرد؟

همانگونه که در پاسخ به سؤال اول شما گفتم و دوباره هم تکرار می‌کنم صرفاً موضوع لابی آیپک در امریکا نیست، مسأله مهم‌تر عقبه ۷۰ تا ۸۰ میلیون مسیحی صهیونیست یا مسیحی اوانجلیست است که جدی‌ترین عقبه لابی آیپک محسوب می‌شود. من نمی‌گویم لزوماً این ۸۰ میلیون مسیحی اوانجلیست در انتخابات شرکت خواهند کرد و رأی خواهند داد اما حتی اگر نصف این تعداد یعنی نزدیک به ۴۰ میلیون نفر هم در انتخابات شرکت کنند، یقیناً یک پایگاه رأی مهم تلقی می‌شود. بنابراین نامزدها در نهایت مجبورند اگر می‌خواهند این عقبه رأی را در پشت خود داشته باشند باید ابتدا رأی مثبت لابی آیپک را به دست آورند. بخصوص آن که پایگاه رأی مسیحیان اوانجلیست یک پایگاه رأی سیاسی نیست، بلکه یک پایگاه رأی ایدئولوژیک، اعتقادی، دینی و ایمانی است. به همین دلیل همواره قدرت لابی آیپک به‌دلیل این عقبه ۸۰ میلیونی مسیحیان اوانجلیست ثابت و جدی بوده است. در چنین شرایطی هیچ رئیس جمهور و هیچ نامزد انتخاباتی در امریکا نمی‌تواند بگوید که من می‌خواهم جلوی ظهور عیسی مسیح را بگیرم. به همین دلیل مجبور است تا برای کسب این بلوک، به‌دنبال کسب حمایت لابی آیپک باشند.

در خصوص سیاست خارجی و مسائلی از این دست به قدرت تأثیرگذاری لابی آیپک اشاره شد، در مسأله مشخص انتخابات آیا لابی آیپک یگانه فاکتور تعیین کننده است؟

اینجا هم لابی آیپک قدرت تأثیر و توان صددرصدی ندارد. مثلاً در انتخابات کنگره، لابی آیپک تلاش‌های بسیاری را به کار برد تا مانع از ورود خانم ایلهان عمر به کنگره شود. اکنون هم خبرهایی مخابره شده است که نزدیک به ۱۰۰ میلیون دلار از سوی لابی آیپک و دیگر حامیان این جریان، سرمایه‌گذاری انتخاباتی شده است تا مانع از ورود مجدد خانم ایلهان عمر و دیگر فلسطینی‌تباران امریکایی به کنگره شوند. من نمی‌توانم قاطعانه بگویم که لابی آیپک می‌تواند به این مهم دست پیدا کند یا خیر اما بر این باورم که این لابی نمی‌تواند مانع از ورود همه فلسطینی‌تباران امریکایی به کنگره شود. پس در کل می‌خواهم دوباره تکرار کنم که نباید قدرت را صرفاً به لابی آیپک تقلیل دهیم، بلکه موضوع اصلی عقبه ۸۰ میلیون رأی مسیحیان اوانجلیست است که عمدتاً در ایالت‌های جنوبی امریکا مستقرند و دارای توان بسیار زیاد اقتصادی، سیاسی و رسانه‌ای هستند که کلیساهای رادیویی و وعاظ بسیار قدرتمندی را هم در اختیار دارند.

اینجا به سؤال اصلی مصاحبه می‌رسیم؛ در یک سو ما دونالد ترامپ را داریم که در پرونده ۴ ساله ریاست جمهوری خود نزدیکی بسیار جدی و پررنگی با اسرائیل داشت؛ پیمان ابراهیم را به نتیجه رساند و از طریق دامادش (جارد کوشنر) به دنبال اجرایی کردن معامله قرن بود. در سوی دیگر جو بایدن را داریم که بعد از عملیات طوفان‌الاقصی، حمایت بی‌سابقه سیاسی، دیپلماتیک، تسلیحاتی و لجستیکی از اسرائیل در تجاوز و کشتار در نوار غزه را دارد، به گونه‌ای که بسیاری از کارشناسان باور دارند اگر دونالد روی کار بود، این میزان از حمایت جو بایدن از تل‌آویو صورت نمی‌گرفت. حال به باورتان آیپک در این دوگانه بایدن-ترامپ، جانب کدام را خواهد گرفت؟

در ساختار سیاسی امریکا، جمهوری‌خواهان که مسیحیان اوانجلیست هم ذیل آنها تعریف می‌شوند، قرابت بیشتری با طیف رادیکال در اسرائیل مانند لیکود دارند و دموکرات‌ها در امریکا نزدیکی با برخی جریان‌های میانی مانند جریان لاپید دارند. با این حال هر دو جریان سیاسی جمهوری‌خواه و دموکرات در حفظ کیان اسرائیل هیچ تفاوتی ندارند. هر دو جریان خود را متعهد می‌دانند که تحت هر شرایطی باید از اسرائیل حمایت کنند. اینجا تنها رفتار و عملکرد دو حزب یا نامزدها متفاوت است. جریان لیبرال و دموکرات اعتقاد دارد که از طریق صلح یا برنامه‌ریزی برای تشکیل دو کشوری می‌توانند به امنیت اسرائیل دست پیدا کنند. در مقابل جریان محافظه‌کار امریکایی اعتقادی به تحمیل راه‌حل دو کشوری ندارد و باور دارد پذیرش این موضوع باید با چراغ سبز اسرائیل صورت بگیرد و اگر در نهایت تل‌آویو راه‌حل دو کشوری را رد کند، امریکا نیز باید آن را بپذیرد و از فشار بر اسرائیل برای پذیرش کشور فلسطینی خودداری کند. پس اینجا فقط موضوع جزئیات مطرح است وگرنه هر دو جریان خود را مکلف به حفظ و حمایت از اسرائیل می‌دانند. یعنی هدف برای دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان ثابت است و تنها، راه رسیدن به این هدف متفاوت خواهد بود.

۴۰۰
میلیون کشته

مسیحیان اوانجلیس باور دارند که حضرت عیسی(ع) در ارض موعود بنی‌اسرائیل ظهور نخواهد کرد، مگر در یک جنگ خونین که بنا به برخی از روایت‌های مسیحی تا ۴۰۰ میلیون کشته به‌دنبال خواهد داشت

پاسخ روشنی را برای سؤالم نگرفتم. پیرو آنچه طرح کردید، آیپک در این دوگانه بایدن-ترامپ، جانب کدام را خواهد گرفت؟

فعلاً در پاسخ به این سؤال نمی‌توان عجله کرد. باید منتظر روند تحولات بود و دید که نهایتاً کدام نامزدها به دور آخر انتخابات می‌رسند که در این موضوع به نظر می‌رسد تابستان سال آینده تا حدی این نامزدهای نهایی مشخص می‌شوند.

باور خودتان در شرایط کنونی چیست؟

به نظر من لابی آیپک گرایش و همسویی بیشتری با تفکرات دونالد ترامپ دارد. البته این تحلیل و ارزیابی من قطعی و صددرصدی نیست چون امکان دارد در ادامه، روند به سمتی پیش رود که آیپک حمایت خود را از جو بایدن هم داشته باشد. پس به همین دلیل است که من از الان نمی‌توانم با قاطعیت به این سؤال شما پاسخ دهم. باید منتظر روند انتخابات بود.